

فرایند پرورش باورها از منظر آموزه‌های قرآنی و تفسیری^۱

محمدحسن زمانی*
سید محمود حسینی و اشان**

چکیده

اسلام دین جامعی است که برای تمامی ساحت‌های زندگی انسان برنامه دارد. گاهی سخن از محتوای برنامه‌هاست که در این زمینه از صدر اسلام گفتارها و نوشتارهای تفسیری، روایی، اخلاقی، اعتقادی و ... به آن پرداخته‌اند. گاهی سخن از فرایند و طرح کلی است که به پرورش باورها و نحوه عملی‌سازی و به‌کارگیری آن در زندگی می‌پردازد. اگر پرورش باورها را مجموعه عملیاتی که روی باورها صورت می‌گیرد تا هدف نهایی آن تحقق یابد، دانسته شود. فرایند پرورش باورهای دینی از منظر آموزه‌های قرآنی و تفسیری شامل هفت مرحله خواهد بود: تولید، تعالی یا فرابری، گزینش، طبقه‌بندی، توسعه، تثبیت و عملی‌سازی باورها. عملی‌سازی نیز شامل فرایندی است که در دو بخش فردی و اجتماعی تحقق می‌یابد. مراحل تحقق آن در فرد شامل: شروع هدفمند، عادت، سجیت، شاکله و شأن است؛ مراحل تحقق آن در جامعه نیز اشاعه، تبلیغ، اقامه، سنت و تمدن‌سازی است که انسان با طی این مراحل می‌تواند به عالی‌ترین مراتب و اهداف برسد.

واژگان کلیدی

فرایند پرورش، پرورش باورها، رفتارها، عملی‌سازی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجویی محترم است.

** دانشیار جامعه المصطفی (ع) العالمیه.

i_m_zamani@imam.miu.ac.ir

** دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول). mhhosseiniv@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۶

طرح مسئله

اسلام دین جامعی است که برای تمامی ساحت‌های زندگی انسان برنامه دارد. گاهی سخن از محتوای برنامه‌ها است که در این زمینه از صدر اسلام مباحث تفسیری و روایی و در قرون بعد، علاوه بر این، کتاب‌های اخلاقی، اعتقادی و ... به آن پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند این محتوا را به طور کامل ثبت کرده، به نسل‌های بعد منتقل کنند.

گاهی سخن از روش، فرایند و طرح کلی است که به پردازش، تنظیم، فرایند عملی‌سازی، اجرا و به کارگیری آن در زندگی می‌پردازد.

در این بخش اگرچه به صورت پراکنده در برخی کتب یافت می‌شود و تعدادی از این مراحل را می‌توان مشاهده کرد، اما طرح جامع و کاملی که فرایند پردازش باورها را از منظر آموزه‌های قرآنی و تفسیری به طور کامل تبیین کند، نیافتیم. از این رو در این پژوهش بناست فرایند جامع پردازش باورها را برپایه آیات قرآن و روایات سنت تبیین گردد تا با توجه به این فرایند، انسان آگاهانه به اهداف و مقاصد خود نائل شود.

مفهوم‌شناسی

۱. فرایند پردازش

پردازش در لغت فارسی به دو معنا آمده است: یکی به معنای به کاری دست زدن، آهنگ‌کاری کردن. و دیگر به معنای انجام دادن مجموعه‌ای از عملیات مختلف به روی اطلاعات و داده‌ها در کامپیوتر. (معین، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۳۹)

به مجموعه عملیاتی که روی داده‌ها صورت می‌گیرد تا هدف نهایی برآورده شود، پردازش گویند. این عملیات می‌تواند محاسبات، مرتب‌سازی، جستجو و یا هر عمل دیگری باشد. (سبزعلی و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۸)

بنابراین منظور از پردازش باورها عبارت است از: مجموعه عملیاتی است که روی باورها صورت می‌گیرد تا هدف نهایی آن تحقق یابد.

۲. باورها

«باور» به معنای یقین، اعتقاد و عقیده است. (عمید، ۱۳۸۹: ۲۱۰) دهخدا نیز باور را به معنای قبول و تصدیق سخن (برهان قاطع) می‌داند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳ / ۴۳۲۳) برخی در تفاوت عقیده و باور گفته‌اند:

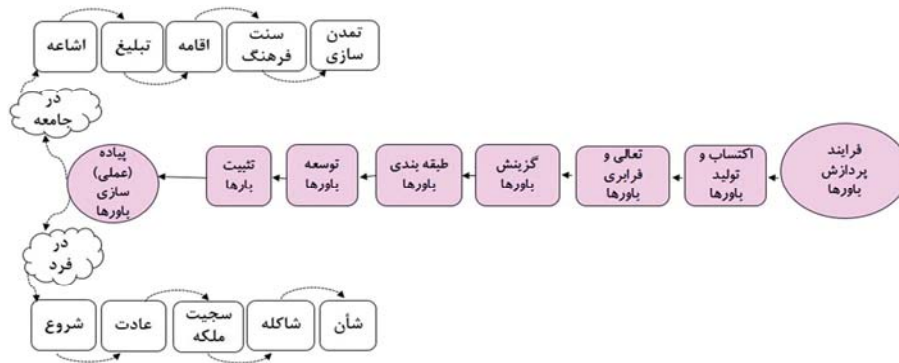
باورها جنبه کلی‌تری نسبت به عقاید دارند. آنها دنیای فرد را می‌سازند و به او ثبات

نظر و عقیده می‌دهند. مجموعه مطالبی که ما درباره یک موضوع خاص می‌دانیم و همه قضایایی که برای ما معنایی ندارند و همچنین همه موضوعاتی که ما فکر می‌کنیم واقعیت دارند، باور ما را تشکیل می‌دهند. (روشبلو و بورفیون، ۱۳۷۱: ۱۲۴)

مراد از باور در این پژوهش همان معنای عام آن است.

فرایند پردازش باورها

با توجه به منابع دینی، فرایند پردازش باورها هفت مرحله دارد که عبارت‌اند از: تولید، تعالی و فرابری، گزینش، طبقه‌بندی، توسعه، تثبیت و عملی‌سازی باورها؛ نمودار و شرح این مراحل عبارت است از:



۱. اکتساب و تولید باورها

نخستین و مهم‌ترین مبحث در یک ایدئولوژی به‌دست آوردن منشأ باور و محل تولید آن است؛ به عبارت دیگر نخستین اقدام این است که بدانیم محتوا و داده‌ها از چه منبعی به‌دست می‌آید؟ با توجه به منابع دینی، باورها را می‌توان از راه‌های زیر به‌دست آورد:

الف) منابع تولید باورها

یک. قرآن کریم

قرآن کریم با توجه به دلایل متعدد، وحی الهی بر پیامبر است که بدون هیچ تحریفی در اختیار ما قرار دارد؛ در آیه ۸۹ سوره نحل می‌خوانیم:

نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...؛

کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم؛ درحالی‌که بیانگر هر چیزی است.

در تفسیر این آیه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

به درستی خدای متعال هر چیزی را که مردم تا روز قیامت به آن محتاج هستند، در کتاب خود نازل کرده و برای پیامبر خود بیان فرموده ... (حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۷۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۵۶)

البته اکثر مفسران معتقدند مراد از بیان همه چیز در قرآن، اموری است که برای هدایت بشر لازم است؛ یعنی قرآن کتاب هدایت و تربیت است و ضرورتی ندارد که همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلها و فرمولهای آن، بیان کند. هرچند گاهی به این موارد اشارههایی دارد اما همه اینها، در راستای هدایت و تربیت انسانهاست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴ / ۳۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۳۲۵؛ ذهبی، بی تا: ۲ / ۴۸۹)

بنابراین نخستین و مهم‌ترین منبع باورها، وحی است و مهم‌ترین بخش وحی که بدون هیچ تحریفی در اختیار ما قرار گرفته است، قرآن است که سخن وحیانی است (نجم / ۵ - ۱)؛ از هرگونه دستبرد و رهیافت باطلی محفوظ بوده (حجر / ۹؛ فصلت / ۴۲) و حکیمانه نازل شده است. (جاثیه / ۲)

دو. سنت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت

در حدیث ثقلین قرآن و اهل بیت را دو منبع به دست آوردن باورها معرفی می‌کند که اگر انسان به آن تمسک کند هرگز گمراه نخواهد شد:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي [مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا] وَ لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. (طبری آملی، ۱۴۱۵: ۱ / ۵۵۹؛ حسینی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲ / ۶۰)

همانا من دو چیز گران بها را در میان شما باقی گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیتم را. تا زمانی که به آنان تمسک جویند، هرگز دچار گمراهی نخواهید شد تا اینکه نزد حوض بر من وارد شوید.

البته هماهنگی و انسجام این دو منبع در روایات به صراحت بیان شده است که هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند بلکه کلام معصومان عین یکدیگرند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۷۰) از طرف دیگر با قرآن نیز تعارضی ندارند بلکه مکمل یکدیگرند که علاوه بر حدیث ثقلین، روایات فراوانی بر این امر دلالت می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳ / ۵۰۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱ / ۲۴۰)

سه. عقل

منبع دیگر تولید باورها، تفکر و استدلالات عقلی است؛ آیاتی که دعوت به تفکر و تعقل می‌کند،

(بقره / ۴۴؛ انبیاء / ۶۷؛ یوسف / ۱۰۹؛ مؤمنون / ۸۰) و روایاتی که عقل را نور شناخت حق و باطل، می‌داند (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۹۸) و راهنمای مؤمن معرفی می‌کند، (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۵) و منشأ کسب همه خیرات ذکر می‌کند (حرانی، ۱۴۰۴: ۱ / ۵۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۲۰۹) و ... دلالت بر منبع بودن عقل دارد. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيِّ وَالْحُجَّةَ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۱ / ۶۲؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۴ / ۳۶۳)
حجت خدا بر بندگان، پیامبر است و حجت بین خدا و بندگانش، عقل است.

بین عقل، وحی و پیامبران نیز تناقضی نیست بلکه در روایات تفسیری که ذیل بحث اولوالالباب بیان شده است، علت گزینش انبیاء و فضیلت برخی بر دیگران را میزان تعقل و عقلانیت ذکر کرده است و از آنجا که در میان همه انسان‌ها، پیامبران از درجه عقل بالاتری برخوردار بوده و عقل کامل‌تری دارند؛ راهنمای دیگران قرار گرفته‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۵۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱ / ۸۵)
بنابراین نخستین مرحله از فرایند پردازش باورها، تولید باورها است.

۲. تعالی و فرابری باورها

تعالی به معنای برتر و فراتر است (عمید، ۱۳۸۹: ۳۴۹) که معادل فارسی آن فرابری (فرا بری) به معنای فراطبیعی است، (همو: ۷۸۷) یعنی دیدن معنای واژه‌ها و باورها در افق بالاتر و برتر و عمیق‌تر غیر از آنچه میان مردم رایج است. گاهی عرف، یک معنای مادی، دنیوی و حسی از واژه می‌فهمد اما در قرآن و روایات معنایی فراتر از امور حسی، مادی و دنیوی را اراده و استعمال می‌کند و این غیر از بطن، استعاره، کنایه، مجاز و ... است. (مجد فقیهی و حسینی و اشان، ۱۳۹۶: ۵)
ابعادی از تعالی و فرابری معنا را می‌توان در فلسفه صدرایی تحت‌عنوان «حمل حقیقت و رقیقت» یافت، که به‌عنوان نوع سومی از حمل تبیین شده است:

در این حمل، موضوع و محمول در اصل وجود اشتراک دارند و اختلاف آنها در کمال و نقص است. وقتی وجود ناقص (رقیقه) بر وجود کامل (حقیقه) حمل می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ۲ / ۸۸)

با توجه به نکات ذکرشده، می‌توان تعالی و فرابری معنا را حمل حقیقت دانست که معنایی عمیق‌تر، متعالی‌تر و کامل‌تر است، درحالی‌که اکثر استعمال‌های عرفی، حمل رقیقت و معانی دنیوی و مادی اراده شده است، به‌عنوان نمونه وقتی قرآن می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ

تُجِیْکُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِیْمٍ؛ (صف / ۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟! اینجا فقط تجارت معنوی مراد است و مشمول تجارت مادی نمی‌شود، هر دو معنا را هم شامل نمی‌شود بلکه فقط تجارت معنوی مراد است، هر چند ممکن است در جای دیگر معنای مادی تجارت اراده شده باشد.

در قرآن کریم و روایات تعالی باورها در مصادیق گسترده‌ای صورت گرفته است؛ اموری مانند بینایی، (اعراف / ۱۹۸؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۶) خانه، (شعیری، بی‌تا: ۱۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰: ۶۷ / ۲۵) عقل، (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۱) قلب، (ق / ۳۷) جهاد، (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۲) لباس (اعراف / ۲۶) و ... که این امور را در افق بالاتر از امور مادی و عادی دانسته و متعالی کرده است.

بنابراین مسئله مهمی که در فرایند پردازش باورها باید مورد توجه قرار گیرد، تعالی و فرابری باورها است.

۳. گزینش باورها

مرحله سوم از این فرایند، گزینش باورها است. که از مجموعه گزاره‌های عقیدتی گوناگون درباره خدانشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی کدام گزاره را باید انتخاب کرد؟ قرآن پیرامون گزینش باورها می‌فرماید:

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ *
الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ.
(زمر / ۱۸ - ۱۷)

آنان که از طاغوت دوری می‌کنند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته‌اند، برایشان بشارتی است. پس مژده بده به آن بندگان من که؛ سخن را می‌شنوند و بهترینش را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدا هدایتشان کرده است و خردمندان حقیقی آنها هستند.

با توجه به این آیه اولاً باید انتخاب باطل را حذف کرد و با شناخت باطل، قدرت فهم انتخاب صحیح را به دست آورد و ثانیاً هنگام انتخاب از میان گزینه‌های صحیح، باید بهترین گزینه را انتخاب کرد، از میان باورهای متعالی، متعالی‌ترین را انتخاب کرد.

بنابراین آیه اشاره به بهترین گزینی دارد که هر انسانی که می‌خواهد به درجات عالی‌ه برسد باید افزون بر حذف باطل، بهترین گزینه را انتخاب کند.

افزون بر گزینش اصل باورها، گزینش اهداف (ذاریات / ۵۶) و رفتارها نیز در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوكُمُ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ. (روم / ۲)
کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که چه کسی نیکوکارتر است و او مقتدر آمرزنده است.

دلالت آیه بر انتخاب بهترین اعمال، بیانگر بهترین گزینی در رفتارها است. علاوه بر این در قرآن و روایات برای گزینش باورها، معیارهایی بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مطابقت با اسلام؛ (آل عمران / ۸۲ و سیوطی ۱۴۰۴: ۲ / ۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۳۳۸) خدامحوری و اخلاص (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۴۹) و فطرت محوری. (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۵۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶ / ۱۰۵)
بنابراین سومین مرحله از فرایند پردازش باورها، گزینش باورها است که با معیارهای معین باید صورت پذیرد.

۴. طبقه‌بندی باورها

مرحله بعد در روند ساماندهی و پردازش باورها، اطلاعات و داده‌ها، طبقه‌بندی است؛ «طبقه‌بندی اطلاعات عبارت است از تعیین ارزش یک سند اطلاعاتی از نظر خطر افشای غیرمجاز آن سند ... به عبارت دیگر تعیین ارجحیت اطلاعات، برپایه اهمیت و ارزش آنها و میزان تهدیداتی که متوجه آنهاست را طبقه‌بندی می‌نامند». (اداره کل پژوهش و تألیفات ناجا، ۱۳۷۷: ۱۶)
در اصطلاح عام، دسته‌بندی و جدا کردن اشیا و موضوعات و قرار دادن موضوعات دارای وجه اشتراک در یک طبقه را طبقه‌بندی گویند. (پیرعلی و قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۴)
درواقع طبقه‌بندی اطلاعات دو بخش دارد؛ یکی اصل تعیین طبقات و طبقه‌بندی است که برای هر اطلاعاتی طبقه مناسب را معین کند، دیگری تعیین و دسته‌بندی داده‌های اطلاعاتی است به حسب موضوع، اهمیت و ارزشی که دارند و خطراتی که از افشای آن حاصل می‌شود.
در قرآن کریم نیز می‌توان ادله فراوانی بر طبقه‌بندی باورها یافت، از جمله:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ... (آل عمران / ۷)

او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، قسمتی از آن، آیات «محکم» است؛ که اساس این کتاب است و قسمتی از آن، «متشابه» است. افرادی که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات اند تا فتنه‌انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ درحالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند ...

با توجه به تصریح آیه، تأویل متشابهات اختصاص به خدا و راسخون در علم دارد که این به معنای طبقه‌بندی اطلاعات است، یعنی فهم و درک برخی اطلاعات مخصوص افراد خاصی است. در تفسیر این آیه روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

راسخان در علم، ما هستیم و تأویل متشابهات را ما می‌دانیم. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۵۹۷؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۱۵)

در تفاسیر روایی، به روایت دیگری اشاره شده است که امام صادق علیه السلام خطاب به ابوحنیفه فرمود:

ای ابوحنیفه، کتاب خدا را آن‌طور که حقیق هست، شناخته‌ای؟ آیا ناسخ و منسوخش را می‌دانی؟ عرض کرد: بله. حضرت فرمود: ادعای علم بزرگی نمودی، وای بر تو خدای متعال این علم را فقط در بین اهل قرآن که آن را برایشان نازل کرده قرار داده، وای بر تو این علم صرفاً نزد افراد خاص از ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است ... (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۴۸۶)

از این روایت تفسیری چند نکته مهم قابل برداشت است:

۱. مخاطب و سؤال کننده ابوحنیفه است که فردی ضعیف‌الایمان است؛ (توجه به مخاطب)
 ۲. شناخت حق معرفت کتاب خدا نزد اهل بیت علیهم السلام است؛ (توجه به دشواری و عمق اطلاعات)
 ۳. قرآن دارای سطوح مختلفی است که درک هر سطح نیاز به معرفت متناسب با همان سطح را دارد.
 ۴. صرف دانستن برخی معارف قرآن، به معنای فهم همه معارف آن نیست.
- آیات و روایات پیرامون طبقه‌بندی فراوان است که به طور کلی شامل موارد ذیل می‌شود: آیاتی که پیرامون درجه‌بندی انسان‌ها براساس علم، ایمان (مجادله / ۱۱) و عمل (احقاف / ۱۹) بیان شده است؛ روایاتی که پیرامون سخن گفتن انبیاء در سطح عقول مردم بیان شده است؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۶۱) روایاتی که توجه به سن در تعلیم تربیت را مهم دانسته است؛ (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۲۳) و روایاتی که پیرامون تقیه و لوازم آن، نقل شده است. (برقی، ۱۳۷۱: ۲ / ۳۰۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۹۲)

از این منابع می‌توان یک قاعده کلی برداشت کرد که هر فرد، جامعه و ملتی باید اطلاعاتش را

دسته‌بندی کند؛ برخی از اطلاعات لازم بیان نیست، دسته دیگر اولویت آموزشی ندارد و برخی باید در اولویت آموزشی قرار گیرد. همین تقسیم‌بندی پیرامون در اختیار عموم قرار دادن اطلاعات نیز وجود دارد که لازم است به اطلاعات محرمانه و غیر محرمانه تقسیم شود.

۵. توسعه باورها

یکی دیگر از مراحل فرایند باورها، توسعه و گسترش آن است که در ساحت‌های مختلف صورت می‌گیرد:

الف) تمام باورهای دینی (توسعه کمی)

نخستین ساحتی که باید باورها را توسعه داد آن است که باید همه باورها و ابعاد دین را قبول کرد و تنها به بخشی از امور دینی اکتفا نشود؛ قرآن کریم در سوره نساء به این مطلب اشاره می‌کند که در صورت پذیرش دین باید همه دین را قبول کرد نه آنچه دلخواه ماست:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا * أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. (نساء / ۱۵۱ - ۱۵۰)

به راستی کسانی که به خدا و فرستادگانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند که بین خدا و رسولانش جدایی ایجاد کنند و می‌گویند: به برخی ایمان می‌آوریم و برخی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند میان آن راهی را بیابند، در حقیقت آنان، کافران حقیقی هستند؛ و برای آنها، عذابی خوار کننده آماده کرده‌ایم.

با توجه به این آیه، ایمان به بخشی از باورهای دینی کافی نیست بلکه باید به همه امور دینی توسعه داد و تمامی باورهای دینی را پذیرفت.

ب) ارتقا و رشد امور دینی (توسعه کیفی)

بعد دیگر از توسعه باورها این است که کیفیت باورها در همه امور دینی توسعه پیدا کند؛ یعنی وقتی همه دین را قبول کردیم، معرفت و باورهای خود نسبت به دین را افزایش دهیم. آیات ابتدایی سوره انفال پیرامون صفات مؤمنان می‌فرماید: «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا؛ (انفال / ۲) و هنگامی که آیات خدا بر آنان خوانده می‌شود، ایمانشان افزایش می‌یابد.

آیاتی که به مؤمنان دستور می‌دهد ایمان بیاورند درحالی که مؤمن هستند (نساء / ۱۳۶) بنا به نقل مفسران دلالت بر همین توسعه کیفی دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵ / ۱۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۶۶)

افزون بر این آیاتی که پیرامون زیادی هدایت (کهف / ۱۳؛ مریم / ۷۶) است نیز، مؤید این است که باید باورها را از نظر کیفی ارتقا بخشید.

ج) توسعه دین در همه ابعاد زندگی

از نظر فکری و معرفتی باید باور داشت که دین برای همه ابعاد زندگی انسان برنامه دارد؛ هم بعد فردی و هم بعد اجتماعی.

اینجا بحث درباره اصل گستره دین است که آیا دین همه ابعاد زندگی انسان را شامل می‌شود یا فقط مربوط به امور فردی است؟

شهید مطهری پیرامون گستره و قلمرو دین می‌نویسد:

اسلام مکتبی است جامع و واقع‌گرا، در اسلام، به همه جوانب نیازهای انسانی؛ اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روحی، عقلی و فکری، احساسی و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه شده است. (مطهری، ۱۳۷۶: ۲ / ۶۳)

بنابراین گستره دین شامل همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان است.

ع. تثبیت باورها

به دست آوردن، فرابری، توسعه و سایر اموری که در فرایند دین‌داری بیان شد، دارای اهمیت است اما مهم‌تر از این موارد، حفظ، نگهداری و تثبیت آنهاست که در قرآن کریم و روایات نیز به آن اشاره شده است. وعده ثبات دین و قدم‌های مؤمنان موضوع برخی آیات قرآن قرار گرفته است؛ (ابراهیم / ۲۷؛ نحل / ۱۰۲؛ محمد / ۷) برخی آیات نیز یکی از دعا‌های مؤمنان را ثبات قدم ذکر می‌کند، (بقره / ۲۵۰؛ آل عمران / ۱۴۷) گروهی از آیات، افرادی که در ایمانشان ثبات ندارند را گمراهان همیشگی می‌داند، (نساء / ۱۳۷) همچنین قرآن، افرادی که ایمان می‌آورند اما ایمانشان را حفظ نمی‌کنند را نابودکننده تمام اعمالشان می‌داند:

وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ (بقره / ۲۱۷)

و هرکس از شما از دینش رجوع کند و بمیرد درحالی که کافر بوده؛ تمامی اعمالش در دنیا و آخرت، نابود می‌شود و در حقیقت آنها اهل آتشند و در آن ماندگارند.

بنابراین تثبیت باورها، از امور مهم و ضروری است که مورد توجه قرآن کریم و روایات واقع شده است.

۷. فرایند عملی سازی

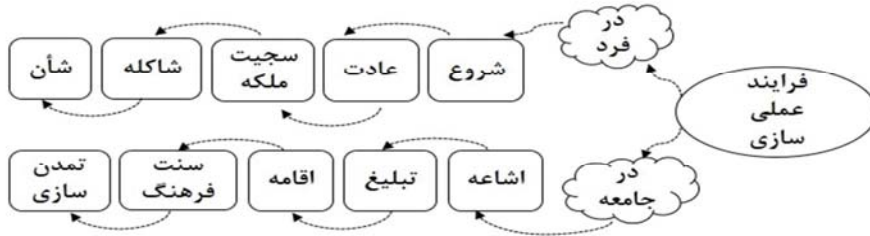
هفتمین مرحله از فرایند پردازش باورها، عملی سازی آنها است، اگر باورها در تمام مراحلش انجام شود ولی عملی نشود، ثمره‌ای نخواهد داشت.

قرآن کریم تحقق کامل باورها و رسیدن به هدف عالی و نهایی را در سایه عمل صالح می‌داند و می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ (کهف / ۱۱۰) ... پس هرکس همواره به ملاقات پروردگارش امیدوار است، باید کار نیک و شایسته انجام دهد.

تفاسیر نیز ذیل این آیه، روایاتی را بیان کرده‌اند که ثمره، تکامل و ارزش حقیقی باورها را زمانی می‌داند که در عمل تحقق یابد، در غیر این صورت، منفعتی نخواهد داشت. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۶۹۰؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۱۴، طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۸)

فرایند عملی سازی باورها در دو ساحت فرد و جامعه تحقق می‌یابد و هرکدام شامل مراحل است

که عبارتند از:



الف) در فرد

هر فردی که بخواهد باورهایش را به‌طور کامل عملی سازد، باید مراحل و فرایندی را طی کند که عبارت‌اند از:

یک. شرع هدفمند عمل

با توجه به فرایندی که برای باورها بیان شد، اولین گام در عملی سازی هر کاری، شروع آگاهانه، عالمانه و برگرفته از باورهای صحیح است، عملی که پشتوانه علمی و فکری صحیحی نداشته باشد قطعاً در ادامه کار دچار آسیب خواهد شد و به هدف و نتیجه نخواهد رسید. قرآن کریم خود با «بسم الله» شروع می‌شود و تمامی سوره‌های قرآن جز سوره توبه نیز با «بسم الله» شروع می‌شوند. در کتب تفسیری نیز پیرامون اهمیت شروع کارها با نام خدا، روایات فراوانی وارد شده است؛ مانند: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يَذْكُرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَتْرُ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۰۵؛ نهایندی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۶۷؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۱، ۳۱۰) هر کاری که بدون نام خدا آغاز شود بی‌ثمر و ابتر خواهد بود.

از طرف دیگر، برکت کارها در آغاز آن با یاد خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۵) و شروع کارها با یاد خدا در همه امور سفارش شده است، مانند: خوردن غذا (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۲۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۵۲)، ورود و خروج به خانه (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۸۱)، تعلیم و تربیت، ابتدای هر نوشتار و لو یک قطعه شعر و ... (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۸۰؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۱ / ۳۲۴) بنابراین در هندسه دینی، هر کاری باید هدفمند و بر مبنای خدامحوری آغاز و بنا شود در غیر این صورت به مقصد نخواهد رسید.

دو. عادت

فراهیدی در تعریف «عادت» می‌نویسد: «مداومت بر انجام کار به حدی که سجیت انسان شود». (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲ / ۲۱۸) راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: «عادت اسمی برای تکرار فعل است تا اینکه آسان شود و مطابق طبع شود». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۱) بنابراین عادت چیزی است که در اثر تکرار جزء طبیعت آدم شود، به طوری که انجام آن آسان و خوشایند گردد. دومین گام در فرایند عمل، عادت است که با تمرین و تکرار حاصل می‌شود؛ یعنی انسان باید به قدری تمرین و ممارست کند تا عمل را تبدیل به عادت کند. از این رو امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العَادَةُ طَبْعٌ ثَانٍ؛ (همان؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱ / ۴۳) عادت، طبیعت دوم است». مفسران نیز ضمن بیان این روایت، به این مسئله اشاره کرده‌اند (فیروز آبادی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۸۴) برخی از مفسران برای تبیین این مسئله به فرازی از زیارت جامعه کبیره اشاره کرده‌اند که در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: «عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ؛ (حائری تهرانی، ۱۳۳۸: ۳ / ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۹۵) نیکی، عادت شما است». این نشانگر آن است که به قدری عمل را تکرار کرده‌اند که تبدیل به عادتشان شده است.

سه. سجیت

«سجیت» مرحله بالاتری از عادت، است که در لغت برای آن معانی متعددی ذکر شده است، مانند: «طبیعت انسان، بدون تکلف» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۱۳)؛ «انجام و جریان کار تا زمانی که پایدار شود» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵ / ۶۱) «ملکه راسخی در نفس است که به آسانی از بین نمی‌رود». (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۹ / ۵۰۹)

شاید «سجیت» مترادف «ملکه» در اصطلاح علمای اخلاق باشد، با این تفاوت که ملکه به معنایی که در علم اخلاق اصطلاح شده است، استعمال لغوی، قرآنی و روایی ندارد اما سجیت در روایات بیان شده و یکی از مراتب اخلاق و نعمت الهی شمرده شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۰۱)

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره بعد از اینکه می‌فرماید عادت شما احسان است، می‌فرماید: «وَسَجِّتُكُمْ أَلْكَرْمُ» (ابن بابویه، ۱۴۲۵: ۲ / ۶۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۹۵) سجیت شما، کرم است». از این رو به نظر می‌رسد سجیت یا ملکه یک مرحله بالاتر از عادت است که باید با تلاش و انجام عبادات به طور مستمر، اعمال خود را به این مرحله رساند اما بدون شک نباید به این مرحله اکتفا کرد.

چهار. شاکله

مرحله بعدی، مرحله‌ای است که عمل، شاکله‌ساز می‌شود، قرآن مجید می‌فرماید:

قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدِي سَبِيلًا. (اسراء / ۸۴)

بگو: همه بر مبنای (روش و خلق و خوی) خویش عمل می‌کنند و پروردگارتان دانایتر است، به کسی که هدایت یافته‌تر است.

زبیدی در ضمن توضیح این آیه، به نقل از راغب اصفهانی می‌نویسد: «شاکله یعنی بر سجیت و سرشتی که او را مقید کرده، عمل کند؛ زیرا قدرت سرشت بر انسان غالب است». (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۸۱) در تفسیر این آیه آمده است:

آیه کریمه عمل انسان را مترتب بر شاکله او دانسته به این معنا که عمل هرچه باشد، مناسب با اخلاق آدمی است ... پس شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود، آن را مجسم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳ / ۱۹۰)

پنج) شَأْن

برخی لغویان در جمع‌بندی معنای «شَأْن» گفته‌اند: «ظهور و تجلی عمل از حالت باطنی است» و در توضیح آن نیز گفته‌اند: «رسوخ صفات در قلب است». (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۶ / ۹) در این مرحله عمل به حدی می‌رسد که هویت و شخصیت انسان می‌شود، در قلب او نفوذ کرده و شخصیت‌ساز می‌شود.

از این رو شَأْن از شاکله بالاتر و عمیق‌تر است. هم می‌تواند شاکله و رفتار و عادات افراد را کنترل کند و هم در جان و دل نفوذ کرده و مدیریت قلب و روح را در اختیار بگیرد، به طوری که از انجام کار لذت روحی می‌برد و جانش تغذیه را می‌کند و بدون شک تغییر در آن بسیار مشکل خواهد بود. در زیارت جامعه کبیره چهار مورد از این مراحل ذکر شده است که هرکدام با دیگری متفاوت است:

و فَعَلِكُمُ الْخَيْرُ وَ عَادَتِكُمُ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتِكُمُ الْكِرَامُ وَ شَأْنِكُمُ الْحَقُّ وَ الصَّدَقُ وَ الرَّفْقُ.
(ابن بابویه، ۱۴۲۵: ۲ / ۶۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۹۵)
کار شما، نیکی است و عادت شما، احسان است و سجیت شما، کرم است و شأن شما حق، صداقت و مدارا است.

بنابراین فرایند عملی‌سازی فردی از پنج مرحله، شروع هدفمند، عادت، سجیت (ملکه)، شاکله و شأن تشکیل شده است که اگر این فرایند به درستی طی شود می‌تواند فرد را به درجات عالیّه برساند.

ب) در جامعه

مراحلی که بیان شد، اشاره به فرایند عملی‌سازی یک کار در شخصیت فردی بود، اما فرایند عملی‌سازی در جامعه نیز در منابع دینی بیان شده که به طور مختصر به آن اشاره می‌شود:

یک. اشاعه

«اشاعه» در لغت به معنای ظاهر کردن و انتشار دادن آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۱۹۱)
نخستین مرحله‌ای را که می‌توان برای عملی‌سازی یک فعل در جامعه انجام داد، اشاعه آن است؛ خواه کار خوب باشد یا بد. قرآن کریم در سوره نور به این مطلب اشاره دارد:

إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشَاعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. (نور / ۱۹)

در حقیقت کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان مؤمنان شیوع یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است و خدا می‌داند درحالی که شما نمی‌دانید.

حتی برخی روایات اشاعه‌دهنده کارها را مانند کسی دانسته است که کار را به وجود آورده است.

(کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۵۶)

بنابراین گسترش و اشاعه خوبی‌ها و بدی‌ها، اولین مرحله عملی‌سازی یک کار در جامعه است که در منابع دینی به آن اشاره شده است.

دو. تبلیغ

«تبلیغ» در لغت به معنای رساندن است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۲۱) گام بعدی و بالاتر از اشاعه، تبلیغ است که قرآن مجید نیز به آن اشاره دارد:

الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ. (احزاب / ۳۹)

کسانی که دائماً رسالت‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و همواره از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز خدا ترسی ندارند ...

با توجه به مباحث مطرح شده، تفاوت تبلیغ و اشاعه این است که: اشاعه گسترش یک کار است؛ خواه پشتوانه فکری داشته باشد یا نه اما تبلیغ گسترش هدفمند یک کار است. رساندن نیز در مفهوم تبلیغ است، درحالی که اشاعه صرف اظهار است، برسد یا نرسد.

سه. اقامه

سومین مرحله از فرایند عملی‌سازی، اقامه عمل است؛ قرآن پیرامون دین، (یونس / ۱۰۵؛ روم / ۴۳) نماز، (عنکبوت / ۴۵؛ لقمان / ۱۷) شهادت (طلاق / ۲) و ... از تعبیر اقامه استفاده کرده است. مفسران درباره اقامه به دو نکته اشاره کرده‌اند:

۱. اقامه، به معنای بپا داشتن یک چیز به نحوی که تمامی آثارش مترتب بر آن شود و هیچ اثر و خاصیتی پنهان و مفقود نماند؛ مانند اقامه عدل، اقامه سنت، اقامه نماز و ... (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۵۹)
۲. کاری کنید که دیگران هم آن کار را انجام دهند؛ «یعنی به گونه‌ای باشد که همه مردم نمازخوان شوند نه اینکه نمازخوان نیست، نمازخوانش کنیم؛ یعنی جامعه نمازخوان، جامعه‌ای که دائماً به یاد خداست و در راه خداست ... اگر کسی سعی کند انسان‌های دیگر را نمازخوان کند، به این معنا در حقیقت تلاشی و کوششی در راه عبودیت مطلق حق، در راه ریشه کن کردن فساد ... انجام داده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵۷) دیگر مفسران نیز به این معنا اشاره کرده‌اند. (طباطبایی، همان؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷ / ۸۸)

فرق بین اقامه با تبلیغ این است که اقامه فرو آن کار را به طور کامل انجام می‌دهد و هم کاری می‌کند که جامعه نیز آن را انجام دهد و همه جا آن کار به پا داشته شود؛ اما در تبلیغ اگرچه هدفمند است اما صرفاً ابلاغ و رساندن است. از این رو قرآن کریم درباره رسالت پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «فَأَيُّهَا عَلِيُّ رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ (تغابن / ۱۲) همانا بر عهده رسول ما فقط رساندن آشکار است.»

چهار. سنت (فرهنگ)

مطهری در تعریف فرهنگ می‌نویسد: «فرهنگ مجموعه اندوخته‌های معنوی، فکری، روحی، عقلی، اخلاقی و اجتماعی یک قوم است.» (مطهری، ۱۳۸۱: ۶ / ۴۰۵) اگر فرهنگ را همه جنبه‌های فکری و اخلاقی و هنری یک جامعه بدانیم، برخی روایات دلالت بر این دارد که باید رفتار جامعه به حدی برسد که جزئی از فرهنگشان شود، به‌عنوان نمونه امام علی ﷺ در خطبه متقین، فرهنگ متقین را

توصیف می‌کند؛ که اولاً جملات به صورت جمع آمده است که دلالت بر جمعیت متقین و مؤمنین دارد نه یک فرد و ثانیاً فرهنگ جامعه ایمانی را در همه زمینه‌های زندگی بیان می‌کنند که برخی fraزهای آن، چنین است:

فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مُنْطَفِعُهَا الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ وَ مَشِيهُمُ التَّوَّاضِعُ.
(شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۰۳)

تقواییشان در دنیا اهل فضیلت هستند. سخنشان راست، جامه‌شان میانه و راه رفتن و منش آنها فروتنی است.

حضرت در این خطبه جامعه متقی را جامعه‌ای می‌داند که در همه زمینه‌های زندگی طبق برنامه دین حرکت کنند؛ منطق، رفتار، پوشش، حب و بغض، دوستی‌گزینی شان و ... برپایه فرهنگ دینی باشد؛ یعنی فرهنگ‌سازی دینی صورت پذیرد.

اگرچه واژه فرهنگ در قرآن نیامده است ولی معادل آن (سنت) در قرآن بیان شده است. «سنت» در لغت به معنای طریقه، روش، سیره و شریعت آمده است. (جوهری، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۱۳۸) اما در اصطلاح هر علم، معنای خاصی دارد؛ مفسران، سنت را به معنای رفتارهای پایدار، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۲۱) طریقه و روش اجتماعی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴ / ۲۱) به کاربرده‌اند. در علوم اجتماعی به معنای «رفتاری است که همواره وجود داشته است و بر اثر تمرین و ممارست‌های طولانی در افراد ریشه کرده است». (وبر، ۱۳۸۱: ۱۲)

در آیات قرآن نیز سنت به معنای رفتارهایی در اجتماع است که پایدار شده است و یا اجتماعاتی را تحت تأثیر قرار داده است:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ.
(آل عمران / ۱۳۷)

قبل از شما سنت‌هایی وجود داشته است؛ در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبتِ تکذیب‌کنندگان چگونه است.

حتی برخی آیات رفتارهای فرهنگ شده اقوام گذشته را سنت نامیده است:

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ. (حجر / ۱۳)

به آن ایمان نمی‌آورند و طریقه و روش پیشینیان هم به همین شکل بوده است.

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ. (نساء / ۲۶)

خداوند می‌خواهد اینها را برای شما روشن بیان کند و شما را به روش‌های درست کسانی که پیش از شما بودند، هدایت کند.

بنابراین مرحله عمیق‌تر، گسترده‌تر و پایدارتر از اقامه، فرهنگ‌سازی و سنت‌سازی رفتارها است.

پنج. تمدن‌سازی

«تمدن» در لغت به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۱۳۹) و در اصطلاح عبارت است از:

مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان‌یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادها اجتماعی و سیاسی است. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۸۷)

عمده تفاوت‌هایی که میان فرهنگ و تمدن بیان شده عبارت است از:

۱. تمدن، جهانی است و فرهنگ ملی است. (مطهری، ۱۳۸۱: ۶ / ۴۰۵)
 ۲. تمدن عینی و مادی است و فرهنگ ذهنی و معنوی. (کسمایی، ۱۳۵۴: ۱۲)
 ۳. تمدن عمل است و فرهنگ اندیشه و پدیدآورنده تمدن است. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳۲)
- با توجه به تعاریف بیان شده، برخی آیات بر وجود تمدن‌ها در گذشته اشاره دارد؛ مانند:

إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ * وَ تَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ.
(فجر / ۹ - ۷)

و شهر ارم که دارای کاخ‌های با عظمت و ساختمان‌های بلند بود؟ همان‌که همانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ و با قوم ثمود، کسانی که در آن سرزمین سنگ‌ها را (برای ساختن خانه) می‌بردند؟

این آیات از یک بعد، اشاره به عذاب الهی دارد اما از بعد دیگر، اشاره به تمدن قوم عاد و ثمود دارد که نماد آن را در ساختمان‌ها و شهرسازی‌هایشان می‌توان مشاهده کرد.

برخی آیات و روایات نیز پیرامون تحقق تمدن اسلامی سخن گفته است؛ مانند آیاتی که پیرامون نحوه و مدل ساخت خانه بیان شده است (یونس / ۸۷) که حتی اندازه و ارتفاع خانه‌ها، (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۸۳) نوع زمینی که خانه در آن ساخته می‌شود، آداب خانه، (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۲۶) ظاهر خانه و تجمل‌گرایی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵ / ۳۳۸) و ... بیان شده و روایاتی که پیرامون فضای

فرهنگی حاکم بر شهرها و مدل ساخت مساجد و مراکز فرهنگی، (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳۴) دلالت بر اهمیت تمدن اسلامی دارد.

دسته دیگر از آیات نیز، بر تحقق کامل تمدن اسلامی دلالت دارد؛ مانند آیاتی که اشاره به جهانی‌شدن دین و تثبیت آن به روی زمین دارد که دلالت بر تمدن‌سازی نیز خواهد داشت؛ مانند:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا. (نور / ۵۵)

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که حتماً آنان را حکمران در زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان آنان را خلیفه در روی زمین قرار داد و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده، استوار و مستحکم خواهد ساخت و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت خواهد نمود.

مقام معظم رهبری که نظریه‌پرداز اصلی تمدن نوین اسلامی است، مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی را شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی دانسته و برای آن شاخصه‌هایی بیان کرده است؛ (الهی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۰ به بعد) ایشان در قسمتی از نظریه خود می‌نویسد:

امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملتها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. (بهمنی، ۱۳۹۳: ۱۹۸ - ۲۳۷)

بنابراین آخرین، مهم‌ترین و عالی‌ترین مرحله عمل در جامعه، تمدن‌سازی است که در تمام مصادیق زندگی علاوه بر کنار گذاشتن فرهنگ بیگانه و غیر اسلامی، باید تمدن صحیح دینی در سراسر جهان تثبیت شود.

نتیجه

فرایند پردازش باورها هفت مرحله دارد؛ اکتساب و تولید، تعالی و فرابری، گزینش، طبقه‌بندی، توسعه، تثبیت و عملی‌سازی باورها. جهت عملی‌سازی کامل باورها باید فرایندی طی شود که دو بخش فردی و اجتماعی تحقق می‌یابد و انسان با طی مراحلش می‌تواند به عالی‌ترین مراتب برسد.

منابع و مأخذ

- القرآن الکریم.
- نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تصحیح فیض الإسلام، قم، هجرت.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۷۸، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲ - ۱، تهران، نشر جهان.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۹۵، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، تهران، اسلامیة، چ ۲.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۲۵ ق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴ - ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۶۹، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲ - ۱، قم، بیدار.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ ق، عده الداعی و نجاح الساعی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، چ ۳.
- اداره کل پژوهش و تألیفات ناجا، ۱۳۷۷، مباحثی از امور اطلاعات، معاونت پژوهش و آموزش ناجا.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی.
- الهی‌زاده، محمدحسین، ۱۳۹۶، درسنامه اقامه قرآن، مشهد، مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامية، چ ۲.
- بهمنی، محمدرضا، ۱۳۹۳، «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، *نقد و نظر*، سال نوزدهم، ش ۲، ص ۲۳۷ - ۱۹۸، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- پیرعلی، مصطفی و محمد قربانی، ۱۳۹۲، *گزارش نویسی اطلاعاتی*، تهران، ناجی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، ۱۴۱۰ ق، *غور الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الإسلامية، چ ۲.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیة*، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ ق، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین.
- حائری تهرانی، علی، ۱۳۳۸، *مقتنیات الدرر*، ج ۱۲ - ۱، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البت علیه السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، *اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات*، ج ۵ - ۱، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- حرانی، ابن شعبه حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، *تحف العقول*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- حسینی فیروزآبادی، سید مرتضی، ۱۳۹۲، *فضائل الخمسه من الصحاح الستة*، تهران، اسلامیة، چ ۲.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالثقلین*، ج ۵ - ۱، قم، اسماعیلیان، چ ۴.
- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، قم، مؤسسه ایمان جهادی، چ ۱۷.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۵، *منظومه فکری امام خمینی علیه السلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی.
- ذهبی، محمدحسین، بی تا، *التفسیر و المفسرون*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- روشبلاو، آن ماری و اُدیل بورفیون، ۱۳۷۱، *روان شناسی اجتماعی*، ترجمه سید محمد دادگران، تهران، مروارید، چ ۲.
- زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*، بیروت، دار الكتاب العربی، چ ۳.
- سبزعلی، مجید و سید علی موسوی، ۱۳۹۷، *مفاهیم پایه فناوری اطلاعات*، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چ ۳.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الأخبار*، نجف، مطبعه حیدریه.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۸، *حکمة المتعالیة: الاسفار العقلیة الاربعة*، قم، مکتبه المصطفوی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چ ۲.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ ق، *مکرم الأخلاق*، قم، شریف رضی، چ ۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۵ ق، *المستدرشد فی إمامة علی بن ابی طالب*، قم، کوشانپور.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الامالی*، قم، دار الثقافه.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی*، تهران، راه رشد.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۶ ق، *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز*، قاهره، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیة، چ ۳.
- فیض کاشانی، محمدحسین، ۱۴۰۶، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- فیض کاشانی، محمدحسین، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر، چ ۲.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کسمایی، علی اکبر، ۱۳۵۴، *قرن دیوانه بحران تمدن و فرهنگ و نادانی‌های دوران دانش*، تهران، بعثت.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ج ۴.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحدیث.
- مجدقیهی، محمدعلی و سید محمود حسینی و اشان، ۱۳۹۶، *نقش فرابری معنا در فرابری علوم انسانی*، اولین کنگره ملی قرآن و علوم انسانی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، ج ۱۱ - ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۷.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷، *التفسیر الأثری الجامع*، قم، التمهید.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ معین*، تهران، آدنا، ج ۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- نهاوندی، محمد، ۱۳۸۶، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، تهران، مؤسسه بعثت.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتی.
- وبر، ماکس، ۱۳۸۱، *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه احمد صدارتی، تهران، چاپ مرکز، ج ۵.
- ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.